

*- در درس قبل با مسیر تاریخی اقتصاد ایران، اقتصاد مقاومتی و استقلال اقتصادی و شیوه مقابله با تحریم ها و دیگر آسیب های اقتصادی تا حدودی آشنا شدیم.

*- در این درس می خواهیم دربارهٔ رشد و پیشرفت اقتصادی، بحث نماییم. و با نحوه محاسبه نرخ رشد اقتصادی (رشد تولید ناخالص داخلی)، چگونگی بررسی و وضعیت توزیع درآمد افراد یک جامعه براساس سهم دهک ها و همچنین شاخص توسعهٔ انسانی آشنا شویم.

*- در اقتصاد کشورهایی را که از قدرت تولیدی بالاتر و درآمد بیشتری برخوردار باشند، پیشرفته تر می دانند. افزایش قدرت تولید کشور در گرو افزایش قدرت کار و داد و ستدهای مناسب است. کشورهای پیشرفته معمولاً درآمد و تولید بالایی دارند و درآمدها به صورت عادلانه تری توزیع شده است و تعداد بیکاران این کشورها نیز کم است.

-رشد و پیشرفت، نقطهٔ مقابل رکود است. یک کشور پیشرفته در برابر شوک های اقتصادی، قدرت مقاومت دارد؛ از ثبات نسبی قیمت ها و بازارها برخوردار است؛ می تواند در شرایط بحرانی نیازهای اولیهٔ خودش را تأمین و حتی مازاد آن را صادر کند.

- معمولاً کشورهای پیشرفته از سطح سواد و بهداشت عمومی بالایی برخوردارند و روحیهٔ اعتماد و همبستگی میان مردم این کشورها برای تکاپو و تلاش اقتصادی، برجسته است. کشورهای پیشرفته در سطح منطقه و جهان تأثیر گذارند. در یک کلمه، کشورهای پیشرفته، کشورهای قدرتمندی محسوب می شوند و بقیه روی آنها حساب باز می کنند.

-پیشرفت اقتصادی کشور دارای مؤلفه هایی است که می توان مهم ترین آنها را **رشد اقتصادی**، شاخص های توسعهٔ انسانی (نظیر بهداشت، سواد و امید به زندگی) و شاخص توزیع عادلانه درآمد دانست.

*رشد اقتصادی:

-**مفهوم رشد:** رشد صرفاً به معنای **افزایش تولید** است و **مفهومی کمی (عددی)** است. اگر در جامعه ای میزان واقعی تولید در دوره ای معین نسبت به دوره قبل افزایش یابد می گوئیم **رشد** صورت گرفته است.

-کشورها معمولاً با سرمایه گذاری بیشتر یا به کارگیری روش های بهتر و فناوری مناسب تر، ظرفیت تولیدی خود را افزایش می دهند و این امر به درآمد بیشتر می انجامد. به همین دلیل گاهی **افزایش شاخص رشد** یک کشور را با **افزایش درآمد آن معادل** در نظر می گیرند.

- یک منشأ رشد اقتصادی **افزایش در منابع** است؛ برای مثال، اگر جمعیت در طول زمان رشد کند، به طور کلی **عرضه نیروی کار** هم افزایش می یابد.

- **سرمایه های فیزیکی** کشور می تواند با **سرمایه گذاری در کارخانه ها، ساختمان ادارات، ماشین آلات و مغازه ها** افزایش یابد.

- **سرمایه انسانی با تولید نسل توأم با آموزش آنها** افزایش می یابد.

- با منابع در دسترس بیشتر، یک کشور می تواند کالا و خدمات بیشتری تولید کند.

****بررسی رشد با الگوی مرز امکانات تولید:**

- از الگوی مرز امکانات تولید، می توانیم برای نشان دادن تأثیرات رشد اقتصادی استفاده کنیم.

- مردم مقدار بیشتری از کالاها را می خواهند تا سلامتی و رفاه بیشتری داشته باشند. **اگر با صرفه جویی، سرمایه گذاری بیشتری انجام دهند، با گذشت زمان، ظرفیت تولیدی آنها توسعه می یابد و مرز امکانات تولید به سمت بالا منتقل می شود.**

- رشد اقتصادی به کشور امکان می دهد تا کالاهای بیشتر و بیشتری را تولید و مصرف کند.

- رشد اقتصادی یک هدف مشترک است، زیرا کشور را قادر می سازد کالاها و خدمات بیشتری تولید کند و گام مؤثری برای تأمین نیازها و خواسته های شهروندان خود بردارد.

- وقتی که اقتصاد رشد می کند، کشور قادر است از هرچیزی مقدار بیشتری تولید کند.

- هر کشور برای اینکه از مواهب رشد اقتصادی در آینده لذت ببرد، **باید چیزهایی را در زمان حال در اقتصاد فدا کند؛** باید منابعی را که می توانست برای ساختن کالاهای مصرفی در زمان حال استفاده شود، برای ساختن انواع سرمایه ها و توسعه روش های تولید بهتر برای آینده صرف کند. همان طور که مردم گاهی از بعضی خریدهای خود صرف نظر می کنند تا پولشان را برای انتخاب های دیگری در آینده که زندگی را بهتر می کند، پس انداز کنند.

****چگونه رشد اقتصادی را اندازه گیری کنیم؟**

- **تولید (درآمد) ناخالص داخلی:** www.my-dars.ir

- **رشد** به معنای **افزایش تولید** است. بنابراین اقتصاددانان برای اندازه گیری رشد، به میزان رشد تولیدات یک کشور در طول سال می نگرند.

- **تولید ناخالص داخلی** یک کشور (GDP): ارزش پولی همه کالاهای و خدمات نهایی تولید شده در داخل

مرزهای یک کشور در طول یک سال است. (چه توسط مردم آن کشور و چه توسط خارجیانی که در آن کشور)

- با فرض اینکه هر تولید داخلی، درآمدی را برای تولیدکنندگان آن ایجاد کرده است، می توان درآمد داخلی را نیز معادل تولید داخلی دانست.

- درآمد داخلی، مجموع درآمدهایی است که در طول سال برای کشور به دست می آید.

- با تقسیم درآمد داخلی به جمعیت کشور، درآمد سرانه به دست می آید. (که درآمد سرانه عبارتست از سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید یا درآمد آن جامعه).

- پنج کلید واژه مهم برای فهم بهتر تعریف تولید داخلی: ارزش پولی، همه کالاها و خدمات، نهایی، درون مرزهای کشور و در یک سال.

ارزش پولی: برای اندازه گیری تولید کشور، نیاز به یک واحد مشترک داریم که بتوانیم هر چیزی را که تولید شده است، اندازه گیری کنیم. از هر واحد اندازه گیری می شود استفاده کرد؛ اما شاید نتیجه مفید نباشد؛ چراکه قطعاً با هم قابل جمع شدن نیستند. در عوض وقتی همه را به ارزش پولی که از بازار به دست آمده برگردانیم و آنها را جمع کنیم، منطقی تر می شود. در این صورت صرف نظر از ابعاد و اندازه و وزن، هر کالا با ارزشی که در بازار داشته در محاسبه مقدار تولید لحاظ خواهد شد.

کالا و خدمات: تولید فقط محدود به تولید کالاها نیست، بلکه خدماتی مانند خدمات لوله کشی، خلبانی هواپیما، رانندگی کامیون و معاینه پزشکی هم تولید است و باید در محاسبه ما لحاظ شود.

تولید نهایی: برای اندازه گیری تولید ناخالص داخلی، تنها کالا و خدمات نهایی را در نظر می گیریم، نه محصولات واسطه ای را؛ چرا که کالاها و خدمات واسطه ای همگی در تولیدات نهایی محاسبه شده اند و اگر آنها را هم جداگانه محاسبه کنیم، دچار خطای محاسبه مجدد می شویم.

- با محاسبه ارزش کالای نهایی تولید شده، خود به خود ارزش کالاهای واسطه ای که در آن به کار رفته است نیز محاسبه می شود.

(کالای نهایی و واسطه ای: کالایی که توسط مصرف کنندگان خریداری شده و مستقیماً به مصرف می رسند، کالای نهایی و کالایی که توسط تولیدکنندگان دیگری خریداری شده و در تولید کالای دیگر استفاده می شود را واسطه ای گویند.)

داخل مرزهای یک کشور: تولید ناخالص داخلی، تولیداتی را که در داخل مرزهای یک کشور تولید می شود، اندازه می گیرد؛ صرف نظر از اینکه چه شهروندی آن را تولید کرده است. -نکته: در تولید داخلی، تولید افراد کشور که در خارج ساکن هستند محاسبه نمی شود و در تولید ملی، تولید خارجی های مقیم کشور محاسبه نمی شود. (تولید ناخالص ملی (GNP): ارزش پولی تمام کالاها و خدمات نهایی که اعضای یک ملت در طول یک سال تولید کرده اند.)

-تولید ناخالص داخلی ایران، جمع تمام تولیداتی است که شرکت ها و افرادی که در ایران فعالیت می کنند، آنها را تولید کرده اند؛ حتی اگر بخشی از این تولید متعلق به خارجی ها باشد.

در یک سال: تولید ناخالص داخلی تنها شامل کالاهای نهایی و خدمات تولید شده در یک سال تقویمی از اول فروردین تا پایان اسفند است. این مقدار شامل فروش اقلام باقی مانده از سال قبل نمی شود؛ یعنی چیزهایی که در یک سال ساخته می شود و در سال بعد فروخته می شود.

****مواردی که در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی شوند:**

به دلیل دشواری محاسباتی برخی از اقلام تولیدی در اندازه گیری تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی شوند:

اول: کار بدون دستمزد؛ مانند **کارهایی** که در **خانه** انجام می گیرد یا **خدماتی** که در **خیریه ها** به صورت داوطلبانه ارائه می شود و **پولی برای آنها رد و بدل نمی گردد**، اگرچه دارای ارزش بالایی هستند، اما در محاسبات تولید ناخالص داخلی غایب اند!

دوم: خرید و فروش کالاهای دست دوم از جمله خودرو، مبلمان یا خانه در محاسبات لحاظ نمی شوند. این قبیل کالاها زمانی که برای اولین بار تولید و فروخته شده اند، به حساب آمده اند.

سوم: تولیدات اقتصاد زیرزمینی، غیرقانونی و قاچاق که اطلاعات دقیقی از آنها در دست نیست و عملاً محاسبه آنها مشروعیت بخشی به این گونه فعالیت ها تلقی می شود.

نکته: تفاوت تولید خالص و ناخالص در هزینه استهلاک است. **هزینه استهلاک** قسمتی از تولید جامعه که صرف تعمیر یا جایگزینی سرمایه های فرسوده می شود را هزینه استهلاک می نامند.



****تولید ناخالص داخلی اسمی و واقعی:**

- مهم ترین دلیل برای اندازه گیری تولید ناخالص داخلی، **نظارت بر تغییرات تولید در طول زمان** است. چون تولیدات جامعه از یک نوع نیستند همه شاخص های تولید برحسب واحد پول سنجیده می شود. چون تولید ناخالص داخلی به واحد پولی اندازه گیری می شود، با یک مشکل مواجه هستیم: **قیمت کالاها و خدماتی** که تولید ناخالص داخلی را تشکیل می دهند **به طور مداوم در حال تغییر** است. (افزایش ارزش تولید کل ممکن است ناشی از: ۱) افزایش قیمت ها (۲) افزایش مقدار (۳) افزایش قیمت و مقدار با هم باشد. - **رشد میزان تولید** از تفاوت ارزش تولید به قیمت های ثابت در دو سال و **رشد قیمت** از تفاوت ارزش تولید به قیمت های جاری و ثابت سال مورد نظر بدست می آید.

- به طور کلی هر شاخصی که به **قیمت جاری** محاسبه شود، به عبارت دیگر؛ تورم نیز در اندازه ی آن دخیل باشد، به آن شاخص **اسمی** و یا **جاری** و یا در اصطلاح **پولی** گویند، اما اگر در محاسبه ی آن شاخص اثر تورمی زایل شده باشد و به **قیمت ثابت** و پایه محاسبه شده باشد به آن **شاخص واقعی** یا **حقیقی (تورم در رفته)** اطلاق می کنند. همانند؛ تولید ناخالص اسمی و تولید ناخالص واقعی، صادرات اسمی و صادرات واقعی و ...)

- مثال: فرض کنید **یک میلیون خودرو** در ایران در سال جاری تولید شود و میانگین قیمت یک خودرو **۵۰ میلیون تومان** باشد. مجموع تولیدات خودرو برای سال جاری عبارت است از:

۱ میلیون \times ۵۰ میلیون تومان = ۵۰ هزار میلیارد تومان

حال اگر سال بعد قیمت متوسط خودرو به ۶۰ میلیون افزایش یابد، برآورد ۱۰ هزار میلیارد تومانی برای تغییر تولید نادرست است؛ چرا که در واقع، همان یک میلیون خودرو تولید شده است و تنها قیمت ها تغییر کرده است! اقتصاددانان برای حل این مشکل راه حلی دارند؛ قیمت های محاسباتی باید در سالی که به آن سال پایه گفته می شود، ثابت فرض شوند. (پس؛ در محاسبه ی تولید کل جامعه؛ یک سال را به عنوان سال پایه و مبنای نظر می گیرند و ارزش تولید در هر سال بر حسب قیمت های سال پایه محاسبه می شود.)

**محاسبه تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد آن:

- برای محاسبه تولید ناخالص داخلی اسمی، مجموع ارزش کالاهای تولید شده کشور را در یک سال محاسبه می کنیم. همچنین اگر بخواهیم بدانیم تولیدات سال جاری نسبت به سال قبل، چه میزان رشد داشته است، می توانیم از رابطه زیر استفاده کنیم:

$$\text{نرخ رشد تولید} = \frac{\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل} - \text{تولید ناخالص داخلی سال جاری}}{\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل}} \times 100$$

مثال: تولید ناخالص داخلی را برای اقتصادی با دو کالا و قیمت های زیر به صورت اسمی و واقعی محاسبه کنید:

سال	پیتزا		شکلات	
	قیمت (P)	مقدار (Q)	قیمت (P)	مقدار (Q)
۱۳۹۵	۱۰۰۰۰ تومان	۴۰۰	۲۰۰۰ تومان	۱۰۰۰
۱۳۹۶	۱۱۰۰۰ تومان	۵۰۰	۲۵۰۰ تومان	۱۱۰۰
۱۳۹۷	۱۲۰۰۰ تومان	۶۰۰	۳۰۰۰ تومان	۱۲۰۰

معمولاً از نمودارهای رشد تولید ناخالص داخلی، برای نمایش رشد اقتصادی کشورها استفاده می شود.

افزایش	محاسبه GDP اسمی در هر سال:
$\left. \begin{array}{l} \% 37/5 \\ \% 30/9 \end{array} \right\}$	$1395: 10000 \times 400 + 2000 \times 1000 = 6000000$ تومان $1396: 11000 \times 500 + 2500 \times 1100 = 8250000$ تومان $1397: 12000 \times 600 + 3000 \times 1200 = 10800000$ تومان
	محاسبه GDP واقعی در هر سال با استفاده از سال ۱۳۹۵ به عنوان سال پایه:
	$1395: 10000 \times 400 + 2000 \times 1000 = 6000000$ تومان $1396: 11000 \times 500 + 2000 \times 1000 = 7200000$ تومان $1397: 12000 \times 600 + 2000 \times 1000 = 8400000$ تومان
$\left. \begin{array}{l} \% 20 \\ \% 16/7 \end{array} \right\}$	

شاخص های دیگر اندازه گیری پیشرفت اقتصادی:

- شاخص های مربوط به رشد کمی اقتصاد و افزایش تولید ناخالص، به تنهایی نمی تواند نشان دهنده میزان پیشرفت یک کشور باشد. پیشرفت کشور فقط محدود به رشد کمی آن، یعنی افزایش تولید ناخالص داخلی نیست؛ بلکه ابعاد دیگری نیز دارد.

- اگر کشوری از لحاظ میزان درآمد و تولید ناخالص داخلی، وضعیت مطلوبی دارد. این به معنای آن است که کشور در زمینه رشد ثروت، پیشرفت خوبی داشته است. اما نمی توان نتیجه گرفت که حتماً این کشور در توزیع ثروت تولید شده در میان مردم نیز پیشرفته است.

- اقتصاددانان معمولاً در این مورد از مثال کیک استفاده می کنند. آیا بزرگ تر شدن یک کیک، به معنای آن است که سهم افراد مختلف از آن کیک عادلانه است؟

- بسیاری از کشورهایی که دارای رشد درآمد بالایی هستند، نظیر چین و آمریکا، گرفتار نابرابری درآمدی اند؛ بدین معنی که بخش بزرگی از ثروت تولید شده، تنها به گروه های محدودی از جامعه تعلق دارد و اکثریت جامعه از درآمد کمتری برخوردارند.

**** شاخص دهک ها:**

یکی از شاخص های سنجش وضعیت توزیع درآمد، شاخص دهک هاست. از شاخص دهک ها در برخی گزارشهای اقتصادی و به منظور نشان دادن پیشرفت هایی که در زمینه عدالت اقتصادی روی داده است، استفاده می شود.

- یکی از معیارهای سنجش وضعیت توزیع درآمد، شاخص دهک هاست (دهک داده ایست که متناظر با یک دهم کل فراوانی باشد). برای تشکیل این معیار جمعیت کشور مورد بررسی را به ده گروه جمعیتی مساوی تقسیم می کنند، که در هر گروه ده درصد جمعیت بر حسب درآمد از پایین به بالا مشخص می شوند، سپس سهم دریافتی هر گروه از درآمد ملی را محاسبه می کنند. در این جا ده درصد اول جمعیت که گروه اول می

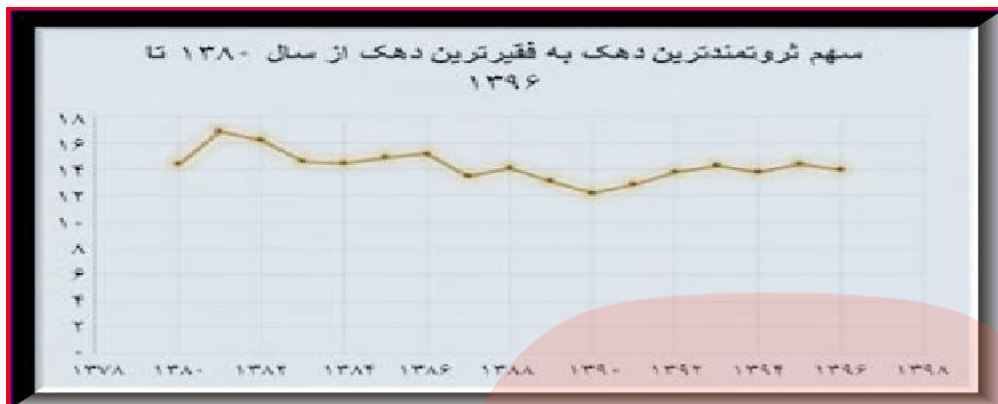
باشند، کمترین درآمد ملی و همین طور به ترتیب صعودی، ده درصد آخر (گروه دهم) بیشترین درآمد ملی را دریافت کرده و ثروتمندترین اعضای جامعه می باشند و ۱۰۰ درصد جمعیت کشور، ۱۰۰٪ درآمد را دارند.

سهم دهک اول	۳ درصد
سهم دهک دوم	۴ درصد
سهم دهک سوم	۵ درصد
سهم دهک چهارم	۶ درصد
سهم دهک پنجم	۷ درصد
سهم دهک ششم	۸ درصد
سهم دهک هفتم	۱۰ درصد
سهم دهک هشتم	۱۲ درصد
سهم دهک نهم	۱۶ درصد
سهم دهک دهم	۲۹ درصد
۱۰۰ درصد جمعیت کشور	۱۰۰ درصد درآمد ملی

جدول وضعیت توزیع درآمد در ایران در سال ۱۳۹۱

**** وضعیت توزیع درآمد:**

- با محاسبه نسبت دهک دهم به دهک اول (نسبت درآمد گروه آخر به اول) در کشورهای مختلف، شاخصی به دست می آید که به وسیله آن درجه و شدت نابرابری در توزیع درآمد جامعه مشخص می شود و برای



مقایسه وضعیت توزیع درآمد به کار می رود.

- هرچه این نسبت بیشتر باشد، توزیع درآمد در آن جامعه نامناسب تر است. در جدول قبل، سهم دهک دهم از درآمد ملی حدود ده برابر سهم دهک اول است.

- گاهی درآمدهای مردم برای به دست آوردن شاخص دهک ها، قابل ثبت نیست. به همین دلیل اقتصاددانان برای به دست آوردن اختلاف درآمدی، اختلاف هزینه ای را محاسبه می کنند. در این حالت هزینه خانوار نماینده درآمد آن است. نمودار زیر نشان می دهد که در سال ۱۳۸۰ ده درصد ثروتمندان، چهارده برابر ده درصد فقرا درآمد داشته اند.

** شاخص توسعه انسانی :

یکی از شاخص های رایج جهانی برای اندازه گیری پیشرفت های اقتصادی کشورهای گوناگون، شاخص های توسعه انسانی (HDI) است.

- مؤلفه هایی نظیر میزان امید به زندگی در بدو تولد، میانگین سال های تحصیل، سرانه درآمد ناخالص ملی و شاخص های نابرابری تشکیل دهنده شاخص توسعه انسانی است.

- علاوه بر آن، مؤلفه هایی نظیر نرخ باروری، دسترسی به آب آشامیدنی سالم، بهداشت عمومی، شاخص های فقر و پایداری محیطی (مثل انرژی های تجدیدشونده و فسیلی، کاهش آلاینده های محیط زیست و گازهای گلخانه ای، نقصان منابع طبیعی و تغییرات نواحی جنگلی)، در گزارش های توسعه انسانی منعکس می شود.

- اگر معیارهای اندازه گیری رشد اقتصادی، یعنی رشد تولید ناخالص داخلی را با معیارهای اندازه گیری نابرابری درآمدی و نیز سایر شاخص ها نظیر شاخص امید به زندگی، میزان سواد و یا شاخص های مربوط به بهداشت، ترکیب کنیم، تصویر کامل تری از پیشرفت اقتصادی یک کشور به دست می آوریم.

- شاخص توسعه انسانی (HDI) ترکیبی از این شاخص هاست و از این رو تصویر بهتری از پیشرفت کشور ارائه می دهد.

** الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی :

- هرچند شاخص های توسعه انسانی در کنار شاخص های رشد تولید، تصویر مناسب تری از پیشرفت یک کشور ارائه می کند؛ اما این تصویر از پیشرفت کامل نیست و در آن شاخص های دیگری مانند **مبارزه با فساد، بهبود فضای کسب و کار، رشد علم و فناوری، موضوعات محیط زیستی و پیشرفت های فرهنگی و معنوی و...** مورد توجه قرار نمی گیرند.

دو امر باعث شده بسیاری از اندیشمندان از واژه توسعه کم تر استفاده کرده و به دنبال جایگزینی برای آن باشند: **۱) کشورهای غربی و سازمان های بین المللی از معیارها و شاخص های توسعه برای تحمیل الگوهای خود سوء استفاده می کنند، به طوری که گاهی توسعه یافتگی معادل غربی شدن تلقی می شود.**

۲) الگوهای توسعه به طور معمول به تفاوت های بومی و محلی کشورها و به تاریخ، فرهنگ، باورها و ارزش های اجتماعی آن ها توجه لازم را ندارند و برای همه کشورها همان نسخه ی خودشان را تجویز می کنند.

آیا به نظر شما تفاوت های بومی و محلی و تاریخی و فرهنگی کشورها در تعیین شاخص های پیشرفت دخالتی ندارد؟ آیا ارزش های اجتماعی - اقتصادی جامعه ما با جوامع اروپایی، آمریکایی یا چینی یکسان است؟ اگر یکسان نیست، این تنوع ارزش ها و آداب و رسوم چگونه در شاخص های پیشرفت یک کشور خود را نشان می دهد؟ آیا عدالت اقتصادی و اجتماعی به همان اندازه برای ما اهمیت دارد که برای کشورهای سرمایه داری غربی؟ آیا نگاه ما به زندگی انسان ها با نگاه ژاپنی ها به زندگی انسان ها هیچ تفاوتی ندارد؟ **رشد و توسعه بخشی از پیشرفت کشور ماست، اما همه آن نیست.** - بنابراین در کشور ما نیز اندیشمندان **الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی** که متناسب با شرایط و فرهنگ ما باشد را دنبال می کنند.

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir